

بیانات معظم له در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا (س) - 18 شهریور/ 1380

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً به همه حضار عزیز، این عید بسیار بزرگ و این روز نورانی و این خاطره فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ بشری را - که ولادت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است - تبریک عرض می کنم. ان شاءالله این عید بر شما مبارک باشد و همه شما منظور نظر بانوی دو عالم - این برجسته ترین چهره زن در تاریخ بشر و برترین بنده خدا - قرار گیرید و از شما قبول کنند. از دوستان عزیزی هم که برنامه اجرا کردند - چه مداحان عزیز، چه شعرای عزیز - و همچنین از کسانی که این همخوانی بسیار خوب و خوش مضمون و خوش آهنگ را اجرا کردند، صمیمانه تشکر می کنیم.

امروز مثل خیلی از دورانهای دیگر تاریخ، ما - جریان ولایت و دوستان ائمه علیهم السلام - به تبیین احتیاج داریم؛ گفتن، بیان کردن، روشن کردن و حقایق را در معرض بینایی و دانایی انسانها قرار دادن. اگر اهمیت تبیین نبود، امام صادق علیه السلام شاعری مثل «کمیت» را آن گونه مورد عنایت قرار نمی داد؛ یا امام هشتم علیه السلام «دعبل» را؛ یا امام چهارم علیه السلام «فرزدق» را. شعرای معروفی که شما اسمهایشان را شنیده اید - مثل فرزدق، کمیت و دیگران - اینها سلمان زمان خودشان نبودند؛ اینها در مقایسه با اصحاب عالی مقام ائمه، خیلی متوسط بودند. نه معرفتشان به قدر معرفت «زراره» و «محمدبن مسلم» و امثال اینها بود؛ نه فعالیتشان در محیط اهل بیت زیاد بود. اما شما می بینید امام از اینها تجلی می کند که از خیلی از اصحاب بزرگوار خودش نمی کند؛ چرا؟ به خاطر تبیین. چون اینها در يك جا حرفی زدند و نکته ای را روشن کردند که مثل خورشیدی بر ذهنها و دلها تابیده و حقیقتی را برای مردم روشن کرده است.

این که فرمودند: «من قال فینا شعراً و بکی أو أبکی وجب له الجنة» - کسی شعری درباره ما بگوید و چشمی رابگریاند، بهشت بر او واجب می شود - معنایش چیست؟ معنایش این است که بهشت را ارزان کرده اند؟ بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن رسید، آیا آن را این طور دم دستی کرده اند؟ یا نه؛ آن کار، آن شعر گفتن و تسخیر دل با آن شعر و انتقال يك مطلب در آن روز، آن قدر مهم بوده که به خاطر آن اهمیت، جا داشته است که در مقابل يك بیت شعری که این گونه تأثیر می گذارد، بهشت را به او وعده دهند. هر وقت شعر شما این اثر را داشته باشد، بدون بروبرگرد، همان وعده بهشت در مقابلش وجود دارد. این يك محاسبه ی کاملاً منطقی و روشن است. در زمان ما که شما می خواهید شعر بگویید یا شعر بخوانید و مایلید در مقابلش اجر و منزلت «دعبل» و «فرزدق» را هم داشته باشید، راهش چیست؟ راهش این است که همان خلایی را که آن روز «دعبل» یا «فرزدق» یا «کمیت» یا بقیه شعرای اهل بیت با شعر خود پُر می کردند، پُر کنید. این مطلبی است که من همیشه به مداحان و شعرای عزیز مذهبی تذکر داده ام.

شما مداحان عزیزی که این جا هستید - جمعی از جماعت حاضر، یا مداحید یا شوق مداحی دارید؛ احتمالاً بعضی از جوانها در آینده مداحان بسیار خوبی هم بشوند - بدانید که مداحی و ستایشگری ائمه علیهم السلام در حقیقت ستایشگری نیکی و معنویت و جهاد است؛ ستایشگری خورشید امامت و ولایت است؛ خورشید حقیقتی که سعی شد آن را بپوشانند؛ اما همین زبانهای گویا نگذاشتند. نه فقط مداحان و شعرا نگذاشتند، بلکه همه کسانی که در راه معرفت دینی کار کرده اند و همه دلهای فروزنده از محبت اهل بیت علیهم السلام در این سیزده، چهارده قرن، نگذاشتند این خورشید پوشیده بماند. روزه روز ابرها را از مقابل آن خورشید، بیشتر کنار زدند تا امروز به این جا رسیده ایم. این کار باید ادامه پیدا کند و حقایق اهل بیت علیهم السلام روشن شود.

مداحی رایج در بین ما، يك حرفه دو جانبه است؛ فقط آوازه خوانی و شعرخوانی نیست؛ ترکیب هنرمندانه ای از این دو مقوله است. البته من نمی دانم این شیوه از چه زمانی باب شده؛ از زمان صفویه است، از قبل از اوست، از

بعد از اوست. به هر حال امروز در جامعه ما رواج دارد. صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر، سه رکن کار است. خود این شعر هم دو بخش دارد: یک بخش لفظ، یک بخش مضمون. اگر چهار پایه اصلی مدّاحی - یعنی صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب و مضمون حقیقی متناسب با نیاز - کامل باشد، بهترین وسیله تبیین است و تأثیرش از منبر و درس فقهی ای که ما می‌گوییم بیشتر است. صوت و آهنگ به وسیله خود آقایان مدّاحان تأمین می‌شود؛ اما لفظ و معنا باید به وسیله‌ی شاعر تأمین شود. بعضی از الفاظ، زیبا و پُرطمطراقند؛ اما حاصلی ندارند و چیزی از آنها دست مستمع را نمی‌گیرد. بعضی از معاند، خوب و بلندند؛ اما با الفاظ رسایی بیان نمی‌شوند. اینها همه می‌شود عیب. کسی که مدّاحی می‌کند، باید خودش را در روی منبر ببیند و مستمعان را کسانی مشاهده کند که می‌خواهند از او چیزی بیاموزند. با این نیت و انگیزه پشت تریبون یا منبر مدّاحی قرار گیرد.

صدای بعضی از آقایان مدّاحان خوب است، ولی با خواندن آنها انسان چیزی یاد نمی‌گیرد؛ اما بعضی نه؛ وقتی شعر می‌خوانند، معرفتی را به ما می‌آموزند. آنچه که می‌آموزیم، بهترینش آن چیزی است که ما به آن نیاز داریم. گاهی کلمات مدح آمیزی از ائمه علیهم السلام پشت سر هم می‌آوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات می‌رسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه می‌شود. اینها ارزش چندانی ندارد. اما گاهی مدّاحی که شعر می‌خواند، درس فاطمه زهرا سلام الله علیها، درس امیرالمؤمنین و درس امام حسین علیهما السلام را به ما منتقل می‌کند؛ در نتیجه راه ما روشن می‌شود. این بسیار ارزش دارد. ما باید بدانیم که اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها امروز در بین ما ظاهر می‌شدند و یک ساعت، دو ساعت و یا یک روز در بین مردم می‌آمدند، ما را به چه چیزی امر می‌کردند؟ انگشت اشاره به کدام راه از راههایی که در مقابل ما گشوده است، دراز می‌کردند و به ما می‌گفتند که از این راه بروید؟ ما باید آن را دنبال کنیم و در تبیین و تعلیم و معرفتی که می‌خواهیم به مستمع بدهیم، آن را ملاحظه کنیم و نیاز زمان را پُر کنیم.

نکته دیگری که بعضی از آقایان بحق اشاره کردند، این است که از برخی تعبیرات درباره ائمه علیهم السلام نباید استفاده کرد؛ اینها سبک است. برای فاطمه زهرا سلام الله علیها - آن موجود قدسی والا، آن انسان برتر و آن معلم بشر - از آن تعبیری که هر شاعری - چه شاعر درست و حسابی گوی و چه شاعر هرزه گوی - برای محبوب و معشوق خودش ذکر می‌کند، نباید استفاده کرد؛ باید از تعبیرات متناسبی استفاده کرد. اعتقاد من این است که اگر شعرای عزیز ما - همچنان که امروز خوشبختانه، هم در سرود دستجمعی و هم در بعضی از شعرهایی که قبلاً آقایان خواندند، همین معنا انصافاً تأمین شده است - لفظ و معنا را برای بیان معرفتی که امروز جامعه ما نیاز دارد تا از مکتب فاطمه زهرا سلام الله علیها تعلیم بگیرد، به کار گیرند و آن را مدّاح با صدای خوش و آهنگ مناسب با این کار عرضه کند، یکی از بهترین انواع تبلیغ و ترویج صورت گرفته است؛ یعنی همان «دعبل» و «فرزدق» و «کمیت» تاریخ در این جا ظهور و تجلی پیدا کرده است. ارزش، همان ارزش خواهد بود و می‌تواند اجرهای بزرگ الهی را به دنبال خود داشته باشد.

امروز خوشبختانه اقبال مردم به این حرفه و هنر چند پهلو و چندجانبه زیاد است. جوانان در تهران و شهرستانها به جلسات مدّاحی علاقه و توجه دارند. این، مسؤولیت شما آقایان مدّاح را مضاعف می‌کند. مبادا پانصد نفر، هزار نفر، گاهی ده هزار نفر در جلسه ای جمع شوند و یک ساعت برای آنها نغمه سرایی شود؛ اما چیزی به آنها داده نشود. شما در این یک ساعت می‌توانید نکات زیادی را با شعر خوب منتقل کنید. البته شعر خوب - همان طور که گفتیم - تنها شعری نیست که معانی خوبی دارد؛ بلکه باید شعر هنرمندانه باشد و الفاظ خوب و کلمات مناسب هم در آن به کار رفته باشد.

امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال همه شما را مشمول لطف و رحمت خودش قرار دهد و منظور نظر حضرت زهرا سلام الله علیها و مشمول توجهات حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باشید. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته